

شاید تا دیروز زاهدان و پارسایان را به عنوان کسانی معرفی می‌کردند که ترک دنیا کرده و در گوشه‌ای عزلت گزیده و دست از هرگونه تلاش و کوشش و آبادانی کشیده و تنها به فکر خویش هستند و همانند صوفیان و درویشان تارک اجتماع و زن و فرزند می‌باشند. چنین پیشش و نگرشی نسبت به زهدگرایی و پارسایی شاید نگرش غالب اجتماع بوده‌است از این رو کسانی را که در کارهای تجارت و کشاورزی و مداماری و ساخت و ساز و آبادناری کارخانه و آبادانی خانه و محیط و جامعه خود بودند به عنوان زاهدپارستان می‌شناختند و این افراد هر چند که در مسیر آبادانی و شکوفایی تمدنی گام برمی‌داشتند و با تلاش خویش جایی را آباد و یا چیزی جدید و نو پدید می‌آوردند حتی از دایره مؤمنان رانده می‌شدند، چه رسد که بتوانند به عنوان زاهدان و پارسایان برای خود در اجتماع جایگاه و اعتباری کسب کنند.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

زاهدان انسان‌های باکرامت و باعزتی هستند و هرگز برای به دست آوردن مال و منالی یا نعمتی، خود را خوار و خفیف نمی‌کنند، این‌گونه است که خداوند پارسایان را به صفت عزت نفس و اجتناب از اظهار فقر و مسکنت در عین نیازمندی می‌ستاید و می‌فرماید که همین عزت نفس است که ایشان را وادار می‌کند تا درخواست کمکی از دیگران نکنند. ریشه این نگرش و تفکر را باید عدم تبیین دقیق اصطلاح زهد و پارسایی در فرهنگ قرآنی از سوی بزرگان و تصویر نادرست از مسئله زهد و پارسایی دانست.همین مشکل در بسیاری از مفاهیم کلیدی قرآن چون صبر و شکیبایی و عرفان و تصوف وجود داشته است و تصویری نادرست و غلط از آن به جامعه ارائه و مفاهیم تازه‌ای بر خلاف اندیشه‌های اسلامی و قرآنی تحویل جامعه و مردم شده بود. اما به نظر می‌رسد که این مفاهیم دوباره به شکلی که قرآن تصویر کرده اندک اندک در صورتی رخنه می‌کند و تصویر سالم و درستی از صبر و شکیبایی و عرفان اسلامی و قرآنی ارائه می‌شود. زهد و پارسایی، دیگر باصل اساسی آبادانی و حضور در اجتماع منافاتی ندارد؛ زیرا یکی از اهداف و فلسفه آفرینش انسان از نظر قرآن،آبادانی زمین و ایجاد تغییرات ژرف تمدنی است. از این رو زاهدان و حتی عرفان واقعی کسانی هستند که در جامعه حضور بر رنگ حتی در امور سیاسی و اجتماعی و نظامی دارند و اصولاً یکی از راههای دستیابی به عرفان واقعی را حضور در عرصه اجتماع و سیاست بر شمرده‌اند تا شخص بتواند تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی و اسمای الهی پرشسته در ذات خود را به فعلیت برساند و به حقایق هستی به شکل شهودی و حضوری دست یابد. بر این اساس زهد و پارسایی از دنیابگریزانه حاصل نمی‌شود بلکه زهد، امری است که با حضور مراقبت در جامعه و اجتماع به دست می‌آید،چنان‌که پارسایی بزرگ تاریخ یعنی امیر مؤمنان(ع) نمونه عینی و الگوی واقعی کسی است که در عین حضور در جامعه در پارسایی به نوع آن دست یافت و با دست گرفتن زمام کشور و سیاستمداری و آموزش‌گری و کشاورزی و امور دیگر، در پارسایی و زهد روزی سرآمد انسان‌ها شد.

در ادامه حقیقت زهد و پارسایی از نگاه قرآن بررسی می‌شود.

معناشناسی زهد

زهد در لغت ضد رغبت و حرص بر چیزی است. این معنا را این منظور، از زبان شناسان بزرگ ادبیات عرب در کتاب وزین خود به نام لسان العرب بیان کرده است. این معنا به خوبی مشخص می‌کند که تصویر نادرستی که از زهد تانکون ارائه شده و آن را مخالفت و ناپسند گرفتن دنیا دانسته و تصویر کرده‌بودند،حتی آن‌قدر ظاهر و آشوبی عربی نادرست و خطا بوده‌است؛ زیرا در معنایی که از زهد ارائه شده آن را ضد رغبت و حرص بر دنیا دانسته‌اند نه گریختن از دنیا و مخالفت با آن، بنابر این تنها کسانی از دایره زهد و پارسایی بیرون می‌روند که حرص بر دنیا داشته باشند و تمامی مشاغل دستنیایی به دنیا و اموال آن باشد، به گونه‌ای که چشم و گوش بر غیر آن بسته شده و رغبت و گرایش به چیز دیگری نداشته باشند.

نراقی، محقق شیعی در کتاب «معراج السعاده » که کنشی وزین و ارزشمند در حوزه اخلاق است، با تصویری که از زهد در حوزه اخلاق اسلامی به دست می‌دهد معلوم می‌کند که تفاوت چندانی میان معنای اصطلاحی لغوی آن نیست؛ زیرا وی در بیان زهد در اخلاق اسلامی می‌نویسد:زهد در اصطلاح، پشت کردن به دنیا و روی آوردن به آخرت بلکه از غیر خیر قطع نظر کردن و رو به خدا آوردن است. از نظر وی بریدن از غیر خا و بیوستن به وی از بالاترین درجات زهد و پارسایی تلقی می‌شود. «معراج السعاده ص ۳۳۵،التحقیق ج ۳ ص ۳۱۱) مراد نراقی از پشت کردن به دنیا همان عدم رغبت و گرایش به آن به عنوان اصل و اساس است و اینکه از غیر خدا بریدن و در همه

مرحله‌ای و تدریجی بودن از سنت‌های خدای متعال در آفرینش، افعال، بعثت پیامبران و در تشریح و توفانگاری است. پیامبر بزرگوار اسلام(صلی الله علیه و آله) بر اساس همین سنت عمل کرده ائمه اطهار(ع) و صلحان راستین امت محمدی نیز از آن فراموش نمی‌کند ولی کرده‌اند، مثلاً در اصل دعوت به اسلام، رسول گرامی (ص) به دستور پروردگار از توحید و «فولوا لا اله الا الله» دستور کرده سپس سایر پایه‌ها و شاخه‌های آئین اسلام را بنا نهاد. در مسأله زهد و احکام نیز همین مسئله تدریج وجود دارد به‌طوری‌که حکم و احکاب و محرمات در طول بیست و سه سال به مردم ابلاغ شد و حتی گاهی در مورد یک موضوع، حکم آن بتدریج بیان گردید.^(۱) چون از جمله روش‌های مؤثر در تبلیغ دین، این است که مبلغ خود را طبیب جامعه و درد آشنای مردم احساس کند و در هر جا به مناسبت و به حسب نیاز، ارشاد و آگاهی را بکار گیرد.

شرط اساسی مبارزه با یک کردار ناشایست در مرحله نخست بیدار کردن افکار و توجه دادن جامعه به ضررها و مفاسد آن است. تا آمادگی روحی و انگیزه باطنی در جامعه نباشد، مبارزه اصولی با

یک کردار ناشایست به‌طوری که خود مردم ضامن اجرای آن باشند امکان پذیر نیست.

برخورد با متحران و گنهکاران جامعه عمدتاً باید برخورد طبیعیانه و دلسوزانه باشد. یعنی هم جهت عاطفی و روانی افراد را مدنظر داشت و هم هم‌سویها را بتدریج،آن گونه که طبیب در ارتباط با بیمار خود به‌کار می‌گیرد روح رعایت کردگار، بیماری را نزد پزشکی آوردند که پای او شکسته‌هم انگشت دست او زخم برداشته و هم ضایعه قلبی دارد، طبیب برای حفظ جان مریض و نجات او از مرگ اول به سراغ معالجه قلب او می‌رود تا نخست جریان خون را که عامل حیاتی اوست برقرار سازد و بعد به سراغ بیماری‌هایی که نقش مستقیمی در نابودی و هلاکت بیمار ندارد می‌رود.

یک مبلغ نیز اگر با گمراه و گنهکاری برخورد می‌کند که هم انحراف اعتقادی، هم اعمال و رفتار گمراهانه و هم اخلاق و صفات فاسد دارد، نخست باید به سراغ انحراف اعتقادی او برود که حیات انسانی او را در معرض نابودی قرار می‌دهد و پس از آن مسائل عملی و اخلاقی او را رسیدگی کند.

قرآن کریم هم در مورد نجات انسانها اول به سراغ اصلاح عقاید و افکار آنان می‌رود و سپس اعمال و اخلاق آنها را تنظیم می‌کند، به همین خاطر است که می‌بینیم اکثر آیاتی که در مدینه نازل شده مسائل عملی و اخلاقی را بیان می‌کنند،چنان‌که در در زمینه اعمال و اخلاق هم همین روش برخورد تدریجی و رعایت سلسله مراتب را حفظ می‌کند که مسئله تحریم شراب

امور به خدا رو آوردن به معنای آن است که دنیا نباید ملاک سنجش و دستنیایی به چیزی باشد و آنچه به دنیا ارزش و اعتبار می‌بخشد و توانایی یاری به آدمی می‌دهد،آزاده و مشیت الهی است که دنیا را زمینه‌ساز رشد و تعالی و کمال انسان قرار می‌دهد. بر این اساس زهدگرایی به معنای آن است که آدمی دنیا را اصل نداند بلکه آن را ابزاری برای دستیابی به کمالات الهی و بستری مناسب بداند که تحت اراده و مشیت الهی می‌تواند به او برای دستیابی به کمالات و فعلیت یابی اسمای حسنیایی که در وی سرشته شده یاری رساند.

زهد گرایی به معنی نداشتن دنیا نیست بلکه دل نداشتن به آن است.

زهد آن نیست که تو صاحب چیزی نشوی

زهد آن است که چیزی نشود صاحب تو

زاهدان انسان‌های باکرامت و باعزتی هستند و هرگز برای به دست آوردن مال و منالی یا نعمتی، خود را خوار و خفیف نمی‌کنند، این‌گونه است که خداوند پارسایان را به صفت عزت نفس و اجتناب از اظهار فقر و مسکنت در عین نیازمندی می‌ستاید و می‌فرماید که همین عزت نفس است که ایشان را وادار می‌کند تا درخواست کمکی از دیگران نکنند.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

زاهدان انسان‌های باکرامت و باعزتی هستند و هرگز برای به دست آوردن مال و منالی یا نعمتی، خود را خوار و خفیف نمی‌کنند، این‌گونه است که خداوند پارسایان را به صفت عزت نفس و اجتناب از اظهار فقر و مسکنت در عین نیازمندی می‌ستاید و می‌فرماید که همین عزت نفس است که ایشان را وادار می‌کند تا درخواست کمکی از دیگران نکنند.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

از اوصاف زاهدان آن است که به دنیا بی‌رغبت هستند و با آنکه از دنیا بی‌رغبت هستند و با آنکه از آن بهره می‌برند و با حضور جدی و تلاش خویش در آبادانی زمین تلاش می‌کنند و در همه حوزه‌های اجتماعی و غیراجتماعی حضور دارند ولی هرگز دل به دنیا نمی‌بندند و بسود و نبود چیزی نمی‌بندند و افسرده و غمگین و یا شاد و خوشحال نمی‌کند.

برای اینکه این تصویر کلی از مسئله پارسایی وضوح بیشتری یابد به آیات قرآن مراجعه می‌شود تا صفاتی که برای زاهدان بیان شده معلوم گردد؛ زیرا بیان هر صفات زاهدان روشن می‌کند که مراد از عدم رغبت و حرص به دنیا چیست و چگونه تحقق خارجی می‌یابد؟ لذا پس از بیان اوصاف پارسایان به سراغ مصداقی عینی آنان می‌رویم که در برخی از آیات به عنوان پارسایان اشاره شده‌است.

اوصاف زاهدان

از اوصاف زاهدان آن است که به دنیا بی‌رغبت هستند و با آنکه از آن بهره می‌برند و با حضور جدی و تلاش خویش در آبادانی زمین تلاش می‌کنند و در همه حوزه‌های اجتماعی و غیر اجتماعی حضور دارند ولی هرگز دل به دنیا نمی‌بندند و بود و نبود چیزی آنان را افسرده و غمگین و یا شاد و خوشحال نمی‌کند.

بر این اساس زاهد واقعی به چیزی که به دست آورده شادان و خوشحال و سر مست نمی‌شود و به وجد نمی‌آید بلکه اگر خشنودی در ظاهر وی است به شکل سرور است نه بدمستی، چنان‌که اگر چیزی یا نعمتی از دست وی برود اندوهگین نمی‌شود و بر از دست دادن آن افسوس و حسرت نمی‌خورد؛ زیرا آن را خواسته الهی می‌شمارد که بر اساس مشیت و اراده‌اش به وی داده و باز پس گرفته‌است. به این به ترتیبی روشن فرستادیم.^(۲)

یک نمونه است که در طی چند مرحله به اجرا در آمده است. همچنین شیوه تدریجی در تبلیغ باعث می‌شود که مطالب به خوبی در ذهن و قلب مخاطب جای گیرد. مثل کسی که اگر یک کتاب علمی را یک شب بخواند بزودی آن را فراموش می‌کند ولی کسی که همان کتاب را پیش استاد کم کم درس بگیرد، در عمق جانش جای می‌گیرد.

آیات قرآن که بهترین پیام‌های تبلیغی است، در زمان‌ها و موقعیت‌ها و مکان‌های مختلف و به صورت تدریج بر رسول خدا(ص) نازل شده است تا دل‌ها به وسیله آن آرام گیرد و از پیامبر اکرم (ص) هم می‌خواهد که آیاتش را در تدریج برای مردم قرائت کند. «کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: چرا این قرآن یکجا بر رسول نازل شد، به خاطر اینکه دل تو را با آن آرام کنیم و آیات خود را تو به‌طور مرتب به ترتیبی روشن فرستادیم.»^(۳)

در جای دیگر می‌فرماید:« و قرآنی را جزء ب جزء بر فرستادیم تا تو نیز بتدریج بر امت قرائت کنی.»^(۴)

روش تدریجی قرآن در تحریم شراب
نمونه بارز و روشن روش تدریجی را در مسئله تحریم شراب به وضوح می‌توان دید چون در شبه جزیره عربستان میخواری می‌نوشید، تب یک بیماری عمومی بود لذا امکانات محیط و شرایط و احوال هموم عرب اجازه نمی‌داد که پیامبر خدا بدون مقدمه شراب را تحریم کند، بلکه ناچار بود مانند یک طبیب بتدریج مزاج جامعه را آماده سازد تا مبارزه قطعی و نهایی صورت پذیرد.

میخواری جزو زندگی آنان بود،ساختن شراب از خرما و انگور را با «روز حسن»(روزی نیکو) مخالف دانسته و از این طریق ششاری را ممنوع کرد.

برای آنچه از دست داده آید
تأسف نخورید
حدید / ۲۳

اوصاف پارسایان در قرآن

میخواری جزو زندگی آنان بود،ساختن شراب از خرما و انگور را با «روز حسن»(روزی نیکو) مخالف دانسته و از این طریق ششاری را ممنوع کرد.

معنا که خود را در دست در اختیار مشیت و اراده الهی قرار می‌دهد و با آنکه در انجام ماموریت آبادسازی زمین تلاش می‌کند و به وظایف خود در کسب حلال از راه‌های مختلف می‌پردازد و کسب حلال را چون جهاد در راه خدا می‌شمارد ولی اگر چیزی از کف بدهد غمگین نمی‌شود (حدید، آیه ۲۳)

بنابراین می‌توان یکی از مهم‌ترین صفات پارسا را ایمان واقعی به ربوبیت الهی دانست که همه چیز را چنان‌که باید و شاید مدیریت می‌کند

دیگر صفتی که از بیان گذشته می‌توان برای وی اثبات کرد افسوس نخوردن بر از دست داده‌است (همان)چنانکه ترک شادی افرطی به شکل بدمستی به هنگام بهره‌مندی از موهب و نعمت‌های دنیوی از دیگر خصوصیات زاهدان بر اساس همین آیه است. حقیقت حد زهد در دنیا برپاساس فرمایش امام صادق(ع) ترک شادی افرطی به شکل فرح نه سرور در هنگام دستیابی به نعمتی و افسوس نخوردن هنگام از دست دادن آن می‌باشد.(تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۶)

از دیگر صفاتی که می‌توان از آیه به دست آورد آن است که فرد پارسا اهل تلاش است تا به چیزی برسد که نیازهای مادی و معنوی او را بر آورده می‌سازد. بر این اساس شخصی تلاشگر است و به‌حکم وظیفه و مسئولیت اصلی آفرینش انسانی به آبادسازی زمین و شکوفایی تمدنی آن اهتمام می‌ورزد تا در آخرت بتواند پاسخگوی خداوند باشد؛ زیرا هر کسی اگر ترک آبادانی کند به مسئولیت ذاتی خویش عمل نکرده و با ترک آبادانی گناهی بزرگ مرتکب شده است. (زهود آیه ۶۱)

خداوند در آیه ۲۳ سوره حدید دو صفت دیگر نیز برای پارسایان بر می‌سازد که برهیز از فخر فروشی به داشته‌ها و نعمت‌ها و دوری از تکبر از آن جمله است. به این معنا که زاهد با داشته‌های خویش به دیگران فخر نمی‌فرورد و در عرصه اجتماعی رفتاری را در پیش نمی‌گیرد که دیگران را فرودست بشمارد به سبب اینکه چیزی را او دارد که دیگری ندارد. و دیگر آنکه در ذات و باطن خویش انسانی متکبر نیست.

بر این اساس کسانی که بر داشته‌ها و نعمت‌های خویش افتخار می‌کنند و در جامعه بز می‌دهند و رفتاری متکبرانه از خود بروز می‌دهند از دایره پارسایی بیرون هستند. این افراد به سبب همین دو صفت از دایره پارسایی خارج می‌شوند.

قرآنی که یک شبه قلب دریایی پیامبر آن را گرفت، مردم طی ۲۳ سال گرفتند و تازه هنوز پس از ۱۴۰۰ سال حقیقت آن را نگرفته‌اند. تعلیم و تربیت باید آرام و بسا دوام صورت گیرد تا قدم به قدم سنگر جدید، کاملاً تثبیت شده به پیش برود.

میخواری جزو زندگی آنان بود،ساختن شراب از خرما و انگور را با «روز حسن»(روزی نیکو) مخالف دانسته و از این طریق ششاری را ممنوع کرد.

قرآنی که یک شبه قلب دریایی پیامبر آن را گرفت، مردم طی ۲۳ سال گرفتند و تازه هنوز پس از ۱۴۰۰ سال حقیقت آن را نگرفته‌اند. تعلیم و تربیت باید آرام و بسا دوام صورت گیرد تا قدم به قدم سنگر جدید، کاملاً تثبیت شده به پیش برود.

در جای دیگر می‌فرماید:« و قرآنی را جزء ب جزء بر فرستادیم تا تو نیز بتدریج بر امت قرائت کنی.»^(۴)

در این نظر ای‌های چهارگانه که پیرامون ابزار از-تجزار از شراب نازل شده است، بکلیاخت نیست، بلکه از مرحله ابتدائی شروع شده تا آنجا که به صورت قطعی تعلیم آن را اعلام کرده است. دقت در این آیات، روش تبلیغی پیامبر خدا را به ما می‌آموزد. شرط اساسی مبارزه با یک کردار ناشایست در مرحله نخست بیدار کردن افکار و توجه دادن جامعه به ضررها و مفاسد آن است. تا آمادگی روحی و انگیزه باطنی در جامعه نباشد، مبارزه اصولی با یک کردار ناشایست به‌طوری که خود مردم ضامن اجرای آن باشند امکان پذیر نیست. بنابراین قرآن در نخستین بار در اجتماعی که

دست داده آید
تأسف نخورید
حدید / ۲۳

صفت تکبر و فخر فروشی از سوی خداوند مورد عنایت قرار نمی‌گیرد و آنان را دوست نمی‌دارد. می‌توان گفت که اصل دل‌داشتن ثروت و مال دنیوی زشت و بد نیست و این‌گونه نیست که هر کسی که از دارایی‌ها و اموال دنیوی برخوردار باشد از سوی خداوند به عنوان غیر محبوب و غیر دوست داشتنی قلمداد شود؛ بلکه آنچه سبب می‌شود تا خداوند ثروتمندی را دوست نداشته باشد رفتار و منش وی است که به شکل تکبر و فخر فروشی ظهور و بروز می‌کند.

از آنجا که ثروت و مال دنیوی برای زاهدان ابزار و بستر دستیابی به کمالات معنوی و رشد و تعالی و نیز تقرب به خداوند است، آنان اهل تلاش و کوشش هستند و از آنچه خداوند به ایشان داده به دیگران نیز می‌دهند و همه را برای خود نمی‌خواهند، زیرا انسان‌هایی هستند که به بدل ننیستنداند و دنیا و اموال آن را ابزار دستیابی به کمالات می‌دانند و اگر ببینند که با این ابزار و بخشش آن، بهتر و آسان‌تر به مقصد می‌رسند آن را می‌بخشند و احسان می‌کنند بلکه حتی با ایثار آن در حالی که بدان نیازمند هستند عدم وابستگی و دلبستگی خود به مال دنیا را اثبات می‌کنند.از این رو خداوند در آیه ۹ سوره حشر ایثارگری و مقدم داشتن دیگری بر خود را از صفات پارسایان یاد کرده؛ با آنکه به نعمت دنیوی نیازمند هستند ولی آن را به برادر دینی نیازمند خود می‌بخشند و از حق خویش می‌گذرند. از دیگر صفات پارسایان آن است که دل‌بسته به دنیا نیستند و اگر گرفتار نداری شدند بر آن صبر می‌کنند و ناله و انبیه نمی‌کنند و چشمشان نیز به مال و منال دیگران دوخته نیست. (قصص، آیات ۷۹ و ۸۰) آنان انسان‌های با کرامت و با عزتی هستند و هرگز برای به دست آوردن مال و منال یا نعمتی، خود را خوار و خفیف نمی‌کنند، این‌گونه است که خداوند پارسایان را به صفت خیر و نفس و اجتناب از اظهار فخر و مسکنت در عین نیازمندی می‌ستاید و می‌فرماید که همین عزت نفس است که ایشان را وادار می‌کند تا درخواست کمکی ازدیگران

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

زاهدان و حتی عرفان واقعی کسانی هستند که در جامعه حضور پر رنگ حتی در امور سیاسی و نظامی دارند و اصولاً یکی از راه‌های دستیابی به عرفان واقعی را حضور در عرصه اجتماع و سیاست برشمرده‌اند تا شخص بتواند تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی و اسمای الهی سرشته در ذات خود را به فعلیت برساند و به حقایق هستی به شکل شهودی و حضوری دست یابد.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

تکند. (بقره آیه ۲۷۳) زاهدان اهل محبت به دیگران به‌ویژه مهاجران در راه خدا هستند و می‌کوشند تا از خود بگذرند و به آنان برسند (حشر آیه ۹) اگر کاری نیک در حق کسی و یا کسانی انجام دادند از آنان مزه نمی‌خواهند و در انتظار تشکر و قدرنداری نمی‌نشینند. در حقیقت کارهای نیکشان بی هیچ مزد و منتی است و آنها تنها برای کسب رضایت خداوند انجام می‌دهند. این صفت همه پیامبران است؛ زیرا ایشان تمام زندگی و تلاش خود را بر هدایت مردم گذاشته و هزینه‌های زیادی برای آن داده‌اند، با این همه هیچ انتظاری نداشته و

حضر پس از توشیحیدن به نماز ایستادند. یکی از آنها آیهای از سوره کافور را در نماز غلط خوانده به‌طوری‌که معنی را درنگرگن کرد، یعنی به جای «لا أعبد ما تعبدون» که معنای آن این است:ای مشرکان من! بت‌های شما را نمی‌پرستم، چنین خواند: «عبد ما تعبدون» که مفاد آن عکس ای یاد شده است.

این جریان‌ها مزاج را آماده کرد تا شرایط و اوضاع اجازه دهد که شراب لاقط در شرایط و حالات خاصی تحریم شود، از این رو به‌طور متعقد و منظم، آن‌هم سخن مسلمانی حق ندارد که با حالت مستی نماز بگیرد و از این تشریح الهی با این اعلام شد. «هی کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید.»^(۵)

تااین‌این آیه به حدی بود که گروهی برای همیشه می‌خواری را تسرک کردند و منتقل آنها این بود که چیزی که به نمازتان زیان

میخواری جزو زندگی آنان بود،ساختن شراب از خرما و انگور را با «روز حسن»(روزی نیکو) مخالف دانسته و از این طریق ششاری را ممنوع کرد.

شیوه «تدریج» در تبلیغ و تربیت از نگاه اسلام

میخواری جزو زندگی آنان بود،ساختن شراب از خرما و انگور را با «روز حسن»(روزی نیکو) مخالف دانسته و از این طریق ششاری را ممنوع کرد.
روش تدریجی قرآن در تحریم شراب
نمونه بارز و روشن روش تدریجی را در مسئله تحریم شراب به وضوح می‌توان دید چون در شبه جزیره عربستان میخواری می‌نوشید، تب یک بیماری عمومی بود لذا امکانات محیط و شرایط و احوال هموم عرب اجازه نمی‌داد که پیامبر خدا بدون مقدمه شراب را تحریم کند، بلکه ناچار بود مانند یک طبیب بتدریج مزاج جامعه را آماده سازد تا مبارزه قطعی و نهایی صورت پذیرد.

تعلیم و تربیت از سنخ آباد کردن و ساختن است، آن‌هم ساختن انسان که مشکل‌ترین کار جهان است، لذا مثل هر ساختن دیگری باید از قانون تدریج و تدرج بهره گرفت. باید پذیرفت که کار فرهنگی کاری کند است و خیلی طول می‌کشد تا نتیجه بدهد و معمولاً نتایج آن یک نسل بعد ظاهر می‌شود. اما خراب کردن، تدریج نمی‌خواهد، با یک بلدوزر، دو ساعته می‌توان ساختمانی را با خاک یکسان کرد و به همین خاطر است فردی را که سال‌ها با زحمت به راه راست آورده‌اید اگر غفلت کنید در فاصله چند روز به‌طور کلی دگرگون می‌شود.

کند که نفع جزئی مادی شراب و قمار در برابر آن همه ضرهای آن ناپسند است. این مطلب را آیه شریفه زیر بیان کرده‌است «از حکم و شراب و قمار و از تو سوا می‌کنند در پاسخ آنها بگو که اگر چه در قمار و شراب منفعت جزئی مادی است ولی ضرر و گناه آن بیشتر است.»^(۶) بدون شک مقایسه سود و زیان از طریق برتری زیان بر سود، تنها برای مردم اندیشمند و آگاه در ایجاد از-تجزار کافی است. ولی توده مردم تا نهی صریح نباشد با این شیوه از بیان، از ارتکاب عمل ناشایست خودداری نمی‌کنند «عبد الرحمن عوف» با اینکه آیه فوق نازل شده بود، ضیافتی ترتیب داده و شرابی سر سفره حاضر کرد.

اصل داشتن ثروت و مال دنیوی زشت و بد نیست و این‌گونه نیست که هر کسی که از دارایی‌ها و اموال دنیوی برخوردار باشد از سوی خداوند به عنوان غیرمحبوب و غیر دوست داشتنی قلمداد شود؛ بلکه آنچه سبب می‌شود تا خداوند ثروتمندی را دوست نداشته باشد، رفتار و منش وی است که به شکل تکبر و فخر فروشی ظهور و بروز می‌کند.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

درخواست مزد نکرده‌اند. (اعلام آیه ۹۰ و هود آیات ۲۵ و ۲۹) این تصویری است که قرآن برای پارسایان حقیقی ارائه می‌دهد. برای شناخت تصویر کامل‌تر نگاه به برخی از انسان‌هایی که مصداق بارز و آشکار این زهدگرایی قرآنی هستند می‌کنیم.

زاهدان واقعی
پیامبران چنان‌که بیان شد از مصداق بارز و کامل زاهدان واقعی هستند؛ زیرا آنان از همه چیز خویش گذشتند و آن را برای هدایت بشر هزینه کردند و مزد و اجری هم نخواستند و حتی بسیاری از ایشان جان خود را در این راه گناشته و هزینه کردند تا مردمان به کمال هدایت دست یابند.(یس ایآ ۱۸ و ۲۱)

پس از پیامبران می‌توان به اهل بیت و طهارت اشاره کرد که نمونه کامل زاهدان هستند و خداوند در آیات ۵ تا ۹ سوره انسان بخشی از اوصاف آنان را بیان کرده‌است.(مجمع البیان ج ۹ ص ۱۰ و ۶۱۱ و کشف زمخشری ج ۴ ص ۴۷۰) از گروه‌هایی که به عنوان مصداق زاهد می‌توان یاد کرد گروه صابران هستند که می‌رغبت به دنیا نیستند و تنها در اندیشه دستیابی به تقرب کمالی می‌باشند.(قصص آیه ۸۰) عالمان و اهل دانش واقعی نیز این‌گونه هستند. خداوند برخی از عالمان یهودی را به سبب زهد و پارسایی می‌ستاید و بیان می‌کند که آنان نسبت به آن همه ثروت و قدرت قانونی بی‌اعتنا بودند و حتی از مردمی که چشم‌آشناشان را قدرت ثروت خیره‌کننده افتاده و محوان بودند، می‌خوانند که این ثروت را امری مفید و سازنده نماندند زیرا در مسیر کمالی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و در آبادانی و شکوفایی تمدنی به کار نمی‌رود.(قصص آیات ۷۹ و ۸۰) خداوند (ضراع) را به سبب درخواست نکردن مزدی برای تعمیر دیوار شهر با آنکه نیازمند لقمه نانی برای رفع گرسنگی خود بود، به عنوان زاهد می‌ستاید (کهف آ یا ۲۵ و ۲۷)؛ریشه چنین پارسایی را می‌توان در ایمان به تقدیر الهی و اینکه هر چیزی از قبل تعیین شده است و شیوه شده‌است دانست. (حجرات آیات ۲۲ و ۲۳) در حقیقت بستر چنین گرایشی در انسان همان ایمان واقعی به خدا و ربوبیت او در همه هستی و آگاهی و قدرت وی بر انجام هر کاری می‌باشد. (سوره هود، آیات ۱۰۹ و ۱۰۸) دوری از بخل (حشر آیه ۹) و خودپسندی و فخر فروشی (حدید آیه ۲۳) موجب می‌شود که کش و منش شخص به سوی پارسایی متمایل شود و

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

زاهدان و حتی عرفان واقعی کسانی هستند که در جامعه حضور پر رنگ حتی در امور سیاسی و نظامی دارند و اصولاً یکی از راه‌های دستیابی به عرفان واقعی را حضور در عرصه اجتماع و سیاست برشمرده‌اند تا شخص بتواند تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های ذاتی و اسمای الهی سرشته در ذات خود را به فعلیت برساند و به حقایق هستی به شکل شهودی و حضوری دست یابد.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

تکند. (بقره آیه ۲۷۳) زاهدان اهل محبت به دیگران به‌ویژه مهاجران در راه خدا هستند و می‌کوشند تا از خود بگذرند و به آنان برسند (حشر آیه ۹) اگر کاری نیک در حق کسی و یا کسانی انجام دادند از آنان مزه نمی‌خواهند و در انتظار تشکر و قدرنداری نمی‌نشینند. در حقیقت کارهای نیکشان بی هیچ مزد و منتی است و آنها تنها برای کسب رضایت خداوند انجام می‌دهند. این صفت همه پیامبران است؛ زیرا ایشان تمام زندگی و تلاش خود را بر هدایت مردم گذاشته و هزینه‌های زیادی برای آن داده‌اند، با این همه هیچ انتظاری نداشته و

دیگر از روش تدریجی در تبلیغ، الغای بردگی بود که اسلام در طی چند مرحله مسئله بردگی را حل کرد.

آری یکی از رموز موفقیت اسلام در تبلیغات، روش تدریجی است. آن است که تمام فرامین و نواهی یکباره نازل می‌شد و مردم ملزم می‌شدند تا یکباره تمام منکرات را کنار بگذارند و تمام دستورات را انجام دهند، کار بسیار مشکل و دشواری بود و کمتر کسی زیر بار چنین مسئولیت سنگینی می‌رفت. چون تعلیم و تربیت تا سنخ آید کردن و ساختن است، آن‌هم سخن مسلمانی حق ندارد که با حالت مستی نماز بگیرد و از این تشریح الهی با این اعلام شد. «هی کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید.»^(۵)

تااین‌این آیه به حدی بود که گروهی برای همیشه می‌خواری را تسرک کردند و منتقل آنها این بود که چیزی که به نمازتان زیان می‌توان ساختمانی را با خاک یکسان کرد و به همین خاطر است

میخواری جزو زندگی آنان بود،ساختن شراب از خرما و انگور را با «روز حسن»(روزی نیکو) مخالف دانسته و از این طریق ششاری را ممنوع کرد.

یک مبلغ اگر با گمراه و گنهکاری برخورد می‌کند که هم انحراف اعتقادی، هم اعمال و رفتار گمراهانه و هم اخلاق و صفات فاسد دارد؛ نخست باید به سراغ انحراف اعتقادی او برود که حیات انسانی او را در معرض نابودی قرار می‌دهد و پس از آن مسائل عملی و اخلاقی او را رسیدگی کند.

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

فردی را که سالها با زحمت به راه راست آورده‌اید اگر غفلت کنید در فاصله چند روز به‌طور کلی دگرگون می‌شود. قرآنی که یک شبه قلب دریایی پیامبر آن را گرفت، مردم طی ۲۳ سال گرفتند و تازه هنوز پس از ۱۴۰۰ سال حقیقت آن را نگرفته‌اند.
تعلیم و تربیت باید آرام و با دوام صورت گیرد تا قدم به قدم سنگر جدید، کاملاً تثبیت شده به پیش برود.

بنابراین روش تدریجی در تبلیغ آموزه‌های دینی باید به عنوان یک اصل مورد توجه دست‌اندرکاران مسائل تبلیغ و تربیت و تعلیم قرار گیرد و نباید تمام ابعاد مسئله برای افراد غیر محقق یکجا گفته شود یا تمام مسائل دینی در یک قسمت از کتاب آورده شود.

۵ دفتر مطالعات و بررسی‌های اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی

- اصل مسئله تحریم شراب
- قرآن، آیه ۲۲
- قرآن، آیه ۱۰۶
- یقول، آیه ۶۷
- بقره آیه ۲۱۹
- عنا، آیه ۲۱۹
- مائد، آیه ۹۰
- جران تاریخ تدریجی شراب و الغای بردگی از کتاب‌های: می‌آز شیرازی، قرآن و تبلیغ، صص ۹۱-۹۱-استاد سبحانی، جعفر، فروروز آیدیت، ج ۲، صص ۱۰۰-۱۰۲ به نقل از مستشرق، ج ۲، صص ۱۴۳ استفاده شده است.

صفحه ۷
شنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۳
۱۵ صفر ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۵۴

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

چراغ راه

تفاوت قضییات زمان
قال الامام علی(ع): «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم».

امام علی(ع) فرمود: فرزندانتان را به انجام آداب خودتان مجبور نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.^(۱)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷

حکایت خوبان

زاهدان و پارسایان در یک تصویر قدیمی از کتاب «میراث‌نامه» اثر ابن خلدون

ارزش‌های والای اخلاقی
امام حسین(ع) فرمود: «ای مردم! با ارزش‌های والای اخلاقی زندگی کنید و برای به دست آوردن سرمایه‌های سعادت شتاب کنید، یک خوبی را که برای آن شتاب نکردید به حساب نیاورید. ستایش را با کمک کردن به دیگران به دست آورید. با کوتاهی کردن سرزش‌ها را به جان نخرید. اگر نیکی به کسی روا داشتید و آن شخص قدردانی نمی‌کند نگران نباشید، زیرا خداوند او را مجازات خواهد کرد و خدا بهترین پاداش دهنده و بهترین هدیه دهنده است.»^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱، ج ۴